

The Impact of Poverty on Financial Development in Selected Developing Countries

Younes Nademi*

Maasoumeh Dalvandi**

Abstract

High poverty rates limit people's ability to meet their daily needs. Therefore, it has attracted the attention of policymakers and governments. In this study, unlike previous studies, the effect of poverty on financial development has been investigated. In addition, the current research seeks to answer the question of whether the poverty on financial development depends on the level of trade openness of countries. To achieve the aforementioned goals, a threshold panel model has been used for 25 developing countries from 2002 to 2020, and also to avoid the endogeneity problem, the 2SLS method and the use of instrumental variables have been used. The results indicate that as long as the degree of commercial openness is less than 65%, the increase in poverty causes a sharper decrease in financial development in the economy, and when the degree of openness is greater than 65%, the increase in poverty causes a smaller decrease in financial development. In other words, increasing the degree of openness of the economy reduces the limiting effects of poverty on financial development. Also, the

* Associate Professor of Economics, Ayatollah Borujerdi University, Borujerd, Iran (Corresponding Author), Younesnademi@yahoo.com

** MA in Economics, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran, 1996mdalvandi@gmail.com

Date received: 2023/03/04, Date of acceptance: 2023/06/17



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

model estimation results show that the logarithm of per capita income, savings and population density have positive and significant effects on financial development.

Keywords: Poverty, Financial development, Degree of trade openness, Threshold panel model, Developing countries.

JEL Classification: F14, G20, I32.



تأثیر فقر بر توسعه مالی در منتخبی از کشورهای درحال توسعه

یونس نادمی*

معصومه دالوندی**

چکیده

نرخ بالای فقر توانایی افراد را در برآوردن نیازهای روزانه‌شان محدود می‌کند، از این‌روی توجه سیاست‌گذاران و دولت‌ها را به خود جلب کرده است. در مطالعه حاضر برخلاف مطالعات پیشین، به بررسی اثر فقر بر توسعه مالی پرداخته شده است. علاوه بر این پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوال است که آیا تأثیر فقر بر توسعه مالی به سطح بازبودن تجارت کشورها بستگی دارد یا خیر. برای نیل به اهداف مذکور، از مدل پانل آستانه‌ای برای ۲۵ کشور درحال توسعه طی دوره زمانی ۲۰۲۰-۲۰۰۲ و همچنین به منظور اجتناب از مشکل درون‌زایی از روش 2SLS و بکارگیری متغیرهای ابزاری استفاده شده است. نتایج حاکی از آن است که تا وقتی درجه بازبودن تجاری از ۶۵ درصد کمتر باشد، افزایش فقر موجب کاهش شدیدتر توسعه مالی در اقتصاد می‌شود و زمانی که درجه بازبودن بیشتر از ۶۵ درصد باشد، افزایش فقر موجب کاهش کمتری در توسعه مالی می‌شود. به عبارت دیگر افزایش درجه بازبودن اقتصاد موجب کاهش اثرات محدودکننده فقر بر توسعه مالی می‌شود. همچنین نتایج برآورد مدل نشان می‌دهد که لگاریتم درآمد سرانه، پس‌انداز و تراکم جمعیت تأثیر مثبت و معنی‌داری بر توسعه مالی دارند.

کلیدواژه‌ها: فقر، توسعه مالی، درجه بازبودن تجاری، مدل پانل آستانه‌ای، کشورهای درحال توسعه.

* دانشیار اقتصاد، دانشگاه آیت‌الله بروجردی، بروجرد، ایران (نویسنده مسئول)، Younesnademi@yahoo.com

** کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، 1996mdalvandi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۷



۱. مقدمه

فقر که یک مفهوم پرکاربرد و معنادار در همه کشورهای جهان است، نمودی از توسعه‌نیافتگی می‌باشد و به دلیل آثاری که به همراه دارد مشکلات زیادی را برای جوامع به وجود آورده است. بطوریکه میلیون‌ها نفر از مردم به دلیل فقر مطلق، قادر به تامین غذا، لباس و سرپناه برای خود نیستند، میلیون‌ها کودک نمی‌توانند آموزش باکیفیت دریافت کنند، همچنین مشکلات تامین خدمات بهداشتی، فقدان پس‌انداز و عدم وجود سرمایه‌گذاری از جمله آثار فقر هستند که باید مورد توجه کشورها قرار گیرند (کولیر و دلار (Collier & Dollar) ۲۰۰۲). از این روی کاهش فقر در دستور کار مرکز توسعه بین‌المللی و نیز استراتژی‌های توسعه ملی قرار دارد (گنانگون (Gnangnon) ۲۰۲۱). در این راستا توسعه مالی یکی از ابزارهایی است که سیاست‌گذاران در سطح ملی برای دستیابی به هدف کاهش فقر در نظر می‌گیرند. برخی از مطالعات تجربی نشان داده‌اند که توسعه مالی عاملی مهم برای کاهش فقر است. با این حال علاوه بر تاثیر توسعه مالی بر فقر، خود پدیده فقر نیز می‌تواند بر توسعه مالی اثرگذار باشد. تمرکز مطالعات پیشین عمدتاً بر تاثیر توسعه مالی بر فقر بوده و تاثیر متقابل آن کمتر مورد توجه بوده است. در واقع می‌توان این سوال را نیز مطرح کرد که آیا سطح فقر در یک کشور برای توسعه بخش مالی آن اهمیت دارد یا خیر. از این رو ادبیات مربوطه نشان داده است که فقر بر سرمایه انسانی (آزریادیس و استاچورسکی (Azariadis & Stachurski) ۲۰۰۵؛ بین و همکاران (Bin et al) ۲۰۱۳)، باز بودن تجارت (گناننون، ۲۰۲۰) و تنوع محصول صادراتی (گناننون، ۲۰۱۹) تاثیر منفی دارد. این سه عامل یعنی سرمایه انسانی، باز بودن تجاری و تنوع محصول صادراتی عناصر مهمی برای توسعه بخش مالی هستند. انباشت سرمایه انسانی ارتباط مثبتی با توسعه مالی دارد (ابراهیم و ساره (Ibrahim & sare) ۲۰۱۸؛ خان، گو و همکاران (Khan, Gu, et al) ۲۰۲۰) و مشخص شده است که باز بودن تجاری نیز بر توسعه مالی تأثیری مثبت دارد (کیم و همکاران (Kim et al) ۲۰۱۰؛ ژانگ و همکاران (Zhang et al) ۲۰۱۵) همچنین تنوع محصول صادراتی به توسعه مالی مثبت منجر می‌شود (گناننون، ۲۰۲۱، ۹۸).

بنابراین اگرچه فقر یک پدیده جهانی است اما کشورهای در حال توسعه را بیش از سایر کشورها تحت تاثیر قرار می‌دهد. توجه اندک به تاثیر فقر بر توسعه مالی در ادبیات موضوع و همچنین عدم وجود مطالعات داخلی مربوط به این مبحث نویسندگان را به بررسی تاثیر فقر بر

تأثیر فقر بر توسعه مالی در متخبی از ... (یونس نادمی و معصومه دالوندی) ۱۱۳

توسعه مالی در کشورهای در حال توسعه ترغیب کرده تا این خلا در ادبیات را پر کند. در مطالعه حاضر تجزیه و تحلیل یافته‌ها با استفاده از یک مجموعه داده متشکل از ۲۵ کشور در حال توسعه در دوره ۲۰۲۰-۲۰۰۲ به روش پانل آستانه‌ای انجام شده است.

در بخش دوم چگونگی تأثیر فقر بر توسعه مالی و نیز پاسخ به این سوال که آیا تأثیر فقر بر توسعه مالی به سطح باز بودن تجاری کشورها بستگی دارد یا خیر؟ مورد بررسی قرار خواهد گرفت، در این بخش همچنین برخی از مطالعات مرتبط با پژوهش ذکر شده است. تمایز مطالعه حاضر نسبت به مطالعات بین‌المللی در زمینه بررسی اثرگذاری درجه باز بودن بر رابطه فقر-توسعه مالی این است که مدلسازی رابطه مذکور در مطالعه حاضر با یک مدل غیرخطی آستانه‌ای انجام شده است که به نظر می‌رسد نسبت به مطالعات خارجی از نوآوری برخوردار است. الگوی پژوهش در بخش سوم معرفی می‌گردد. بخش چهارم یافته‌های تجربی را ارائه کرده و بخش پنجم که پایان بخش پژوهش است به نتیجه‌گیری و پیشنهادات اختصاص دارد.

۲. ادبیات موضوع

۱.۲ مبانی نظری

۱.۱.۲ تأثیر فقر بر توسعه مالی

فقر که با کمبود، درماندگی و ناتوانی در زندگی باکیفیت بالا شناسایی می‌شود (زهر و راتناسیح (Zulher & Ratnasih) ۲۰۲۱)، مردم را از لذت بردن از یک زندگی شایسته باز می‌دارد (گالبرایت (Galbraith) ۱۹۵۸). درآمدهای پائین، رشد ثروت افراد را محدود می‌کند و می‌تواند آن‌ها را در دام فقر بیاندازد (میرزا و همکاران (Mirza et al) ۲۰۱۹). فقر همچنین موفقیت کودکان را محدود می‌کند و خطر ترک زود هنگام مدرسه را افزایش می‌دهد (هیل و سندفورت (Hill & Sandfort) ۱۹۹۵). به گفته‌ی هانسون و همکاران (Hanson et al) ۲۰۱۳، کودکان در خانواده‌هایی با وضعیت اجتماعی-اقتصادی پایین نسبت به خانواده‌هایی با وضعیت اجتماعی-اقتصادی بالا، حجم ماده خاکستری مغز کمتری دارند. بنابراین چنین کودکانی با توجه به پائین بودن ماده خاکستری مغز برای پردازش اطلاعات و اجرای اقدامات، در مدرسه بیشتر در معرض مشکلات هستند و سرمایه انسانی کمتری را انباشته می‌کنند. علاوه بر این ملایناتان و شفیر (Mullainathan & Shafir) ۲۰۱۳ بر تأثیر روانشناسی فقر بر والدین کودکان تأکید کرده و

بیان داشتند که والدین فقیر از انجام سرمایه‌گذاری‌های پرریسک (مانند آموزش و ارتقای سلامت فرزندان‌شان) پرهیز می‌کنند. تاثیر منفی فقر بر توسعه سرمایه انسانی به‌ویژه زمانی افزایش می‌یابد که افراد فقیر دسترسی محدودی به بازارهای اعتباری داشته باشند (بانرجی و دوفلو (Banerjee & Duflo) ۲۰۱۴؛ کاروالیو و همکاران (Carvalho et al) ۲۰۱۶). بنابراین افزایش فقر باعث کاهش سرمایه‌گذاری افراد فقیر در سرمایه انسانی به‌عنوان مثال آموزش و سلامت (لوپز (Lopez) ۲۰۰۶؛ ساچز (Sachs) ۲۰۰۵) و ایجاد نیروی کار نامولد یا کم‌مولد می‌شود (برونینگ و مجید (Breunig & Majeed) ۲۰۲۰) در این بین انباشت سرمایه انسانی برای توسعه مالی حیاتی است (خان و همکاران (Khan et al) ۲۰۲۰؛ سیبل و همکاران (Sibel et al) ۲۰۱۵). شواهد تجربی نشان داده است که بهبود سطح تحصیلات، هم مشارکت در بازارهای مالی را افزایش می‌دهد و هم احتمال ورشکستگی و عدم پرداخت وام توسط افراد را به میزان قابل توجهی کاهش می‌دهد (کول و همکاران (Cole et al) ۲۰۱۴: ۲۰۲۴).

فقر بیشتر منجر به انباشت سرمایه انسانی کمتر از جمله سطح آموزش پایین‌تر می‌شود. در عین حال از لحاظ نظری توسعه سرمایه انسانی می‌تواند با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و افزایش تقاضا برای خدمات و ابزارهای مالی، توسعه مالی را ارتقا دهد (حاتمی و شمس‌الدین (Hatemi & Shamsuddin) ۲۰۱۶: ۲). بنابراین انتظار می‌رود که سطوح فقر بالاتر با سطوح پایین‌تر توسعه بخش مالی همراه باشد. از این روی فرض می‌شود که نرخ‌های فقر بالاتر با انباشت کمتر سرمایه انسانی توسعه مالی را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر انتظار می‌رود که فقر در کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای پیشرفته تاثیر منفی بیشتری بر توسعه مالی داشته باشد. به این دلیل که کشورهای پیشرفته‌تر نسبت به کشورهای کمتر پیشرفته، منابع بسیار بیشتری (از جمله منابع مالی و منابع انسانی) برای کاهش اثر فقر بر توسعه مالی دارند (گنانون، ۲۰۲۱: ۹۸).

۲.۱.۲ تاثیر فقر بر توسعه مالی با توجه به سطح بازبودن تجاری

مبارزه با فقر به عنوان یکی از اهداف اصلی سیاست‌ها و راهبردهای توسعه تلقی می‌شود. در نتیجه نهادهای بین‌المللی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، سیاست‌ها و تلاش‌های خود را در جهت کاهش فقر بکار می‌گیرند. این بخش بررسی می‌کند که آیا تاثیر فقر بر توسعه مالی به سطح بازبودن تجاری کشورها بستگی دارد یا خیر؟ اثر نهایی فقر بر توسعه مالی ۱- بستگی به جهتی دارد که فقر بر بازبودن تجاری تاثیر می‌گذارد ۲- و نیز جهتی

که باز بودن تجارت بر توسعه مالی اثر می‌گذارد. از یک سو، گنانون (۲۰۲۰) بر اساس شواهد تجربی بیان کرد که فقر به طور مثبت با باز بودن تجارت در کشورهای در حال توسعه‌ی پیشرفته مرتبط است. از آنجایی که کشورهای با سطح توسعه بالاتر از امکانات مالی و ظرفیت نهادی بیشتری برای تقویت ظرفیت تجاری و ارتقای تجارت نسبت به کشورهای کمتر توسعه‌یافته برخوردارند، با توسعه کشورها، باز بودن تجارت بیشتری را تجربه می‌کنند، حتی اگر با سطح بالاتری از فقر مواجه شوند. اما فقر، سطح باز بودن تجارت را در کشورهای در حال توسعه کمتر پیشرفته (کشورهای فقیر) کاهش می‌دهد. از لحاظ نظری، چنین تاثیراتی به‌طور کلی از طریق کاهش منابع مالی و کاهش سرمایه انسانی (از جمله سطوح آموزش پایین) ناشی از فقر برای خانوارها و دولت‌ها رخ می‌دهد. سطوح بالاتر فقر می‌تواند با درآمد عمومی کم‌تری همراه باشد و سرمایه‌گذاری دولت‌ها در زیرساخت‌های عمومی را محدود کند، در حالی که ظرفیت شرکت‌ها برای افزایش ظرفیت تولیدی خود را نیز محدود می‌کند. علاوه بر این درآمد عمومی پایین‌تر، عرضه خدمات عمومی از جمله آموزش و بهداشت توسط دولت را محدود می‌کند. همه این موارد با افزایش هزینه‌های تجاری (بویژه بدلیل فقدان زیرساخت‌های مورد نیاز در اقتصاد)، بر رقابت‌پذیری شرکت‌ها در بازار تجارت بین‌المللی و سطح باز بودن تجارت کشور تاثیر منفی می‌گذارد. در کشورهای فقیر - نسبت به کشورهای نسبتاً توسعه یافته - که از منابع مالی بسیار پایین رنج می‌برند، این اثرات می‌تواند شدید باشد (گنانون، ۲۰۱۹: ۳). با اینحال شواهد توضیحاتی برای اثر باز بودن تجارت مثبت ناشی از فقر بیش‌تر در کشورهای در حال توسعه پیشرفته ارائه کرده است. در کشورهای پیشرفته، سطح بالای منابع انسانی و مالی نه تنها پایه مالیاتی را افزایش می‌دهد (زیرا خانوارها و شرکت‌های ثروتمند و با درآمد بالا سهم بیشتری در درآمد عمومی خواهند داشت)، بلکه با ظرفیت بیش‌تر دولت‌ها (از نظر ادارات مالیاتی و گمرکی برای جمع‌آوری درآمد عمومی) برای بسیج درآمد عمومی همراه خواهد بود. این امر به نوبه خود بر توانایی دولت‌ها برای تکیه بر منابع خود برای تأمین مالی زیرساخت‌های مرتبط با تجارت تأثیر می‌گذارد (هاسمن و همکاران (Hausmann et al) ۲۰۰۷؛ اندرسون و جانسون (Andersson & Johansson) ۲۰۱۰). همچنین، دولت‌ها در این کشورها ممکن است کالاها و خدمات وارداتی را برای اقشار فقیر جامعه ارزانتر کنند و در عین حال صادرات را نیز افزایش دهند. علاوه بر این، باز بودن تجارت بیشتر ناشی از اجرای اقدامات ترویج تجارت می‌تواند به ایجاد شغل، دستمزدهای بالاتر و افزایش درآمد افراد فقیر و همچنین افزایش عملکرد درآمد عمومی کمک کند که به دولت‌ها در تقویت ظرفیت تجاری کشورها (یعنی توانایی

آن‌ها برای مشارکت در تجارت بین‌المللی) کمک کند. به نوبه خود، این موارد باعث افزایش بازبودن تجارت کشور می‌شود (گناننون، ۲۰۲۰: ۴). در واقع به طور خلاصه، این اثر بدین علت اتفاق می‌افتد که کشورهای با تمکن مالی لازم حتی در شرایط افزایش فقر، برای تامین منابع مالی به منظور توزیع مجدد درآمد به نفع مردم فقیر و ارائه یارانه به شرکت‌های تجاری و فقرا ظرفیت بیشتری دارند. در این شرایط افراد فقیر برای افزایش مصرفشان تشویق می‌شوند و شرکت‌های بازرگانی نیز تمایل دارند در فعالیت‌های مرتبط با تجارت سرمایه‌گذاری کنند تا عملکرد صادراتی خود را در بازار تجارت بین‌المللی افزایش دهند. در این دیدگاه، فقر بیش‌تر می‌تواند باعث باز بودن تجاری بیشتر شود (گناننون، ۲۰۲۱: ۱۰۶). از طرفی در کشورهایی که دارای مزیت نسبی در صنایع و بخش‌هایی که به تامین مالی بیرونی متکی هستند و نیز دارای بخش مالی نسبتاً توسعه‌یافته‌اند، باز بودن تجارت می‌تواند توسعه مالی را ارتقا دهد (کلتزر و باردن (Kletzer & Bardhan) ۱۹۸۷). در مقابل کشورهایی که عمدتاً صادرکننده کالاها هستند و به تامین مالی بیرونی متکی نیستند، سرعت توسعه مالی کندتری را تجربه خواهند کرد (گناننون، ۲۰۲۱). پیش‌بینی جهت اثر غیرمستقیم فقر بر توسعه مالی از طریق کانال بازبودن تجارت دشوار است. با این وجود، می‌توان فرض کرد که اگر فقر باعث باز بودن تجاری بیش‌تر شود و به نوبه خود باز بودن تجارت منجر به افزایش توسعه مالی شود، آنگاه فقر احتمالاً در کشورهایی که تجارت بین‌المللی را بازتر می‌کنند توسعه مالی را ارتقا می‌دهد. برعکس اگر فقر منجر به کاهش سطح باز بودن تجاری شود و در نتیجه کاهش بازبودن تجاری بر توسعه مالی تاثیر منفی بگذارد، می‌توان انتظار داشت که افزایش نرخ‌های فقر توسعه بخش مالی را تضعیف کند زیرا کشورها اقتصاد خود را به روی تجارت بین‌المللی باز می‌کنند.

۲.۲ پیشینه پژوهش

در این پژوهش به بررسی اثر فقر بر توسعه مالی پرداخته شده است. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوال است که آیا تاثیر فقر بر توسعه مالی به سطح باز بودن تجارت کشورها بستگی دارد یا خیر؟ به دلیل نوآوری موضوع پژوهش حاضر، به نظر می‌رسد مطالعات پیشین به صورت مستقیم این موضوع را مورد بررسی قرار نداده‌اند، لذا در این بخش به برخی از مطالعاتی که قرابت بیشتری با پژوهش حاضر دارند، پرداخته می‌شود.

راجان و زینگالس (Rajan & Zingales) (۲۰۰۳) طی دوره ۱۹۹۹-۱۹۱۳ برای ۲۴ کشور صنعتی یک رابطه سه متغیره را بین باز بودن تجاری، باز بودن مالی و توسعه مالی مورد مطالعه

قرار دادند. آن‌ها دریافتند که گشایش اقتصاد به روی باز بودن تجاری و ورود سرمایه به کشورها می‌تواند توسعه مالی را ارتقا دهد، زیرا هم تجارت و هم امور مالی باعث ایجاد رقابت می‌شوند و باز بودن تجاری بدون باز بودن مالی بعید است باعث توسعه مالی شود و احتمالاً منجر به سرکوب مالی بیشتر بنگاه‌های جدید و نیز افزایش یارانه‌های تسهیلاتی می‌گردد. همچنین، متصدیان بنگاه صنعتی از تامین مالی ارزان برای رقابت کردن برخوردار می‌شوند.

بالتاجی و همکاران (Baltagi et al) (۲۰۰۹) به بررسی توسعه مالی و باز بودن تجارت در ۴۲ کشور در حال توسعه طی سال‌های ۲۰۰۳-۱۹۸۰ با استفاده از روش GMM پرداخته‌اند. شواهد تجربی نشان دادند که اقتصادها قبل از توسعه بخش بانکی لزوماً نیازی به باز بودن تجاری و جریان ورود سرمایه ندارند. در واقع با توجه به نتایج، گشایش اقتصادی در هر یک از حالات باز بودن تجارت بین‌المللی و یا ورود جریان سرمایه، همچنان می‌تواند از نظر توسعه بخش بانکی سودآور باشد.

کیم و همکاران (Kim et al) (۲۰۱۰) اثر پویای باز بودن تجارت بر توسعه مالی را طی دوره ۲۰۰۵-۱۹۶۰ برای ۸۸ کشور بررسی کردند. آن‌ها دریافتند که برای کشورهای نسبتاً کم درآمد یا اقتصادهای با تورم بالا در بلندمدت بین باز بودن تجارت و توسعه مالی یک رابطه مثبت و نیز در کوتاه‌مدت یک رابطه منفی بین باز بودن تجارت و توسعه مالی وجود دارد.

ژانگ و همکاران (۲۰۱۵) تاثیر باز بودن تجارت و باز بودن مالی بر توسعه مالی را در ۳۰ استان چین طی سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۰۰ مورد بررسی قرار دادند. نتایج تخمین‌زن GMM نشان داد که هم باز بودن تجارت و هم باز بودن مالی تاثیر منفی بر اندازه توسعه مالی دارند، حتی اگر بطور مثبت بر کارایی مالی و رقابت تاثیر بگذارند.

اشرف (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای با بکارگیری روش GMM اهمیت باز بودن مالی و تجاری در توسعه مالی را برای ۲۸۷ بانک از ۳۷ کشور نوظهور طی دوره ۲۰۱۲-۲۰۰۰ مورد بررسی قرار داد. یافته‌ها حاکی از آن است که باز بودن تجارت بیشتر موجب تقاضای بیشتر برای امور مالی، آزادسازی بخش مالی داخلی و افزایش فرصت‌ها برای تنوع بخشیدن به وام‌دهی می‌شود که این موارد به کاهش هزینه و ریسک اعتبار بانکی و افزایش همزمان حجم اعتبار بانکی کمک می‌کند.

ابراهیم و ساره (۲۰۱۸) طی سال‌های ۲۰۱۵-۱۹۸۰ با بکارگیری روش GMM عوامل تعیین‌کننده توسعه مالی در آفریقا را با در نظر گرفتن باز بودن تجاری و سرمایه انسانی برای

۴۶ کشور مورد مطالعه قرار دادند. یافته‌های تجربی نشان داد که سرمایه انسانی و باز بودن تجاری بطور قابل توجهی با توسعه مالی مرتبط است.

گناننون (۲۰۲۰) در بازه زمانی ۲۰۱۴-۱۹۸۰ تاثیر فقر بر باز بودن تجارت در ۹۹ کشور در حال توسعه را مورد بررسی قرار داد. یافته‌ها نشان داد که فقر اثری منفی بر باز بودن تجاری داشته و در نهایت این اثر به سطوح توسعه کشورها بستگی دارد که با توجه به درآمد سرانه واقعی‌شان تعیین می‌شود. در واقع افزایش سطح فقر، باز بودن تجاری را در کشورهای نسبتاً فقیر کاهش می‌دهد اما در اقتصادهای نسبتاً پیشرفته افزایش فقر باز بودن تجاری را افزایش می‌دهد.

گناننون (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای برای ۱۳۶ کشور به بررسی تاثیر فقر بر توسعه مالی طی سال‌های ۲۰۱۷-۱۹۹۵ پرداخته است. نتایج برآوردگر دو مرحله‌ای گشتاورهای تعمیم‌یافته سیستمی نشان داد که نرخ‌های فقر بالاتر توسعه بخش مالی را تضعیف می‌کند. در واقع، نرخ بالاتر فقر در کشورهایی که سرمایه انسانی کمتری انباشته می‌کنند، با توسعه مالی کمتر همراه است.

بنابراین توجه اندک به تاثیر فقر بر توسعه مالی در ادبیات موضوع و همچنین عدم وجود مطالعات داخلی مربوط به این مبحث نویسندگان را به بررسی تأثیر فقر بر توسعه مالی در کشورهای در حال توسعه ترغیب کرده تا این خلا در ادبیات را پر کند.

۳. روش‌شناسی و داده‌ها

هدف پژوهش حاضر بررسی اثر فقر بر توسعه مالی در ۲۵ کشور در حال توسعه طی سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۰۲ می‌باشد. پژوهش حاضر بدنبال پاسخ به این سوال است که آیا تاثیر فقر بر توسعه مالی به سطح باز بودن تجارت کشورها بستگی دارد یا خیر؟. از این روی در این بخش به ارائه الگوی پژوهش و معرفی داده‌ها و متغیرها پرداخته خواهد شد.

۱.۳ تصریح الگو، معرفی داده‌ها و متغیرهای پژوهش

برای بررسی تجربی اثر فقر بر توسعه مالی، مطابق با آلوکو و آجای (Aluko & Ajay) (۲۰۱۸) و گناننون (Gnanon) (۲۰۲۱) یک مدل پایه در نظر گرفته می‌شود که در آن متغیر کلیدی نشانگر فقر است. همچنین چند متغیر کنترلی نیز در نظر گرفته شده که شامل: لگاریتم

درآمد سرانه، درجه باز بودن تجاری، نسبت پس انداز به تولید ناخالص داخلی (پس انداز) و تراکم جمعیت است. شایان ذکر است، متغیر سرمایه انسانی که کانالی است که از طریق آن فقر می تواند بر توسعه مالی تأثیر بگذارد در مدل لحاظ نشده است. از این روی پاتریک (Patrick) (۱۹۶۶) از نظر اثر مورد انتظار متغیرهای کنترلی بر توسعه مالی جنبه های پیشرو عرضه و پیرو تقاضای توسعه مالی را مورد تأکید قرار داده است. نقش پیشروی عرضه بر این ایده استوار است که مؤسسات مالی انتقال منابع از بخش های سنتی به بخش های مدرن را تسهیل می کنند (گورلی و شاو (Gurley & Shaw) ۱۹۵۵؛ گلداسمیت (Goldsmith) ۱۹۶۹). این امر به ویژه در کشورهایی که از سطح درآمد بالاتری برخوردارند صادق است. بدین جهت که این کشورها در ارائه خدمات مولد روندی صعودی داشته اند که به نوبه خود، توسعه مالی را تحریک خواهد کرد. استدلال پیروی تقاضای توسعه مالی بدین صورت است که با گسترش اقتصاد، بخش مالی آن توسعه می یابد زیرا ممکن است بخش خصوصی تقاضای خود را برای ابزارهای مالی جدید افزایش دهد و دسترسی بهتری به منابع مالی خارجی داشته باشد (دیوید و همکاران (David et al) ۲۰۱۴؛ کوزنتس (Kuznets) ۱۹۵۵). از این روی افزایش درآمد سرانه، توسعه مالی را افزایش خواهد داد.

راجان و زینگالس (۲۰۰۳) نیز خاطر نشان کردند که افزایش توسعه مالی به باز بودن هم زمان جریانات تجاری و سرمایه بستگی دارد. کریمو و ماربوا (۲۰۱۷) از این استدلال در مورد مجموعه ای از کشورهای در حال توسعه پشتیبانی تجربی ارائه کرده اند. در صورتی که بالتاجی و همکاران (۲۰۰۹) بیان کردند که باز بودن مالی می تواند منجر به توسعه مالی بیشتر در غیاب تجارت بیشتر شود. همچنین متغیر نسبت پس انداز به تولید ناخالص داخلی (پس انداز) نیز در مدل اقتصاد وارد می شود زیرا پس انداز بالاتر (بدلیل نرخ بهره واقعی مثبت) می تواند توسعه مالی را ارتقا دهد (آرستیس (Arestis) ۲۰۰۵؛ مک کینون (Mckinnon) ۱۹۷۳).

علاوه بر این در مراحل اولیه توسعه مالی، کشورها معمولاً توسعه فعالیت های بخش مالی را در مناطق جغرافیایی با تراکم جمعیت بالا و ارائه دهنده بیشتر خدمات مالی آغاز می کنند. این امر به ویژه در شهرهایی با تراکم جمعیت بالا که دارای متوسط درآمد نسبتاً بالا و سطوح پایین فقر هستند، صادق است (آلوکو و آجای (Aluko & Ajay) ۲۰۱۸؛ شهباز و همکاران (Shahbaz et al) ۲۰۱۸). در واقع تراکم جمعیت به طور مثبت با توسعه مالی مرتبط است. از این روی تراکم جمعیت نیز در مدل وارد خواهد شد.

جدول ۱. اثر علائم انتظاری متغیرهای مربوطه بر توسعه مالی

درآمد سرانه	مثبت
پس‌انداز	مثبت
تراکم جمعیت	مثبت
فقر	بستگی به سطح باز بودن تجاری دارد

در ادامه مدل تجربی به صورت یک مدل آستانه‌ای تصریح خواهد شد.

$$FD_{it} = \beta_0 + A[OPEN_{it} \leq \gamma] * \beta_1 POVI_{it} + A[OPEN_{it} > \gamma] * \beta_2 POVI_{it} + \beta_3 LGDPC_{it} + \beta_4 SAVING_{it} + \beta_5 POPDENS_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

$$A[OPEN_{it} > \gamma] = 1 \quad \text{if } [OPEN_{it} > \gamma]$$

$$A[OPEN_{it} \leq \gamma] = 1 \quad \text{if } [OPEN_{it} \leq \gamma]$$

متغیر وابسته FD نمایانگر شاخص توسعه مالی است. در ادبیات، هیچ اتفاق نظری در مورد بهترین واحد و شاخصی که بتواند به‌طور کامل میزان توسعه مالی یک کشور را منعکس کند وجود ندارد. از این روی چندین شاخص توسعه مالی در ادبیات تجربی مورد استفاده قرار گرفته است. در پژوهش حاضر از شاخص توسعه مالی معرفی شده توسط صندوق بین‌المللی پول استفاده می‌شود. این شاخص شامل ابعاد متعدد توسعه مالی است و چگونگی توسعه مؤسسات مالی و بازارهای مالی را نشان می‌دهد که شامل سه بعد: عمق (اندازه و نقدینگی)، دسترسی (توانایی افراد و شرکت‌ها برای دسترسی به خدمات مالی) و کارایی (توانایی مؤسسات در ارائه خدمات مالی با هزینه کم و درآمدهای پایدار و سطح فعالیت بازارهای سرمایه) می‌باشد. LGDPC نمایانگر درآمد سرانه، OPEN نشانگر درجه بازبودن تجاری، POPDENS معیار تراکم جمعیت، SAVING نسبت پس‌انداز به تولید ناخالص داخلی و متغیر POV معیار نسبت سرانه فقر است و نشان‌دهنده درصد جمعیتی است که با قیمت‌های بین‌المللی در سال ۲۰۱۱ با کمتر از ۳/۲ دلار در روز زندگی می‌کنند (گنانون، ۲۰۲۱). متغیر فقر مورد استفاده در تجزیه و تحلیل، توزیع اریب را نشان می‌دهند و علاوه‌براین حاوی صفر هستند. بنابراین مطابق با بیاتی و همکاران (Yeyati et al) (۲۰۰۷) این متغیر با استفاده از فرمول زیر تبدیل می‌شود:

$$POV = \text{sign}(POVI) * \log(1 + |POVI|)$$

در واقع معادله (۱)، رگرسیون پانل آستانه‌ای را نشان می‌دهد که در آن، $OPEN_{it}$ متغیر آستانه‌ای و γ ارزش حد آستانه‌ای درجه باز بودن تجاری است که باید برآورد شود. ارزش حد آستانه‌ای به پیشروی از روش هانسن (Hansen) (۱۹۹۹) بر اساس برآورد رابطه بالا به ازای

مقادیر مختلف متغیر آستانه یعنی $OPEN_{it}$ و حداقل کردن مجموع مجذور خطاها به دست می آید. به عبارت دیگر آن میزان از متغیر آستانه که متضمن کمترین میزان مجموع مجذور خطا باشد، آستانه بهینه است. به منظور بررسی معناداری حد آستانه از آزمون خودپردازی (Bootstrapping Test) هانسن (۱۹۹۶؛ ۲۰۰۰) استفاده شده است. هانسن (۱۹۹۶) روش خودپردازی را برای تقریب زدن توزیع مجانبی آماره آزمون پیشنهاد می کند که در پژوهش حاضر از این روش استفاده شده است. روش خودپردازی به صورت زیر اجرا می شود:

۱- در مرحله اول یک نمونه از اعداد تصادفی با میانگین صفر و واریانس یک را تولید کرده و $\eta_t = NID(0,1)$ و $X_t^* = \hat{\epsilon}_t \eta_t$ را تعریف می نماییم.

۲- X_t^* را روی $\beta_0 + \beta_3 LGDPC_{it} + \beta_4 SAVING_{it} + \beta_5 POPDENS_{it}$ در معادله (۱) برای به دست آوردن مجموع مقید مجذورات باقیمانده ها و S^* رگرس می نماییم.

۳- X_t^* را روی $\beta_0 + A[OPEN_{it} \leq \gamma] * \beta_1 POV_{it} + A[OPEN_{it} > \gamma] * \beta_2 POV_{it} + \beta_3 LGDPC_{it} + \beta_4 SAVING_{it} + \beta_5 POPDENS_{it}$ برای بدست آوردن مجموع غیرمقید مجذورات باقیمانده ها، رگرس می نماییم.

۴- $w^*(\gamma) = \frac{T(S_0 - S_1(\hat{\gamma}))}{S_1(\hat{\gamma})}$ را محاسبه می کنیم، که در آن T تعداد مشاهدات و $W^* = \sup W^*(\gamma)$ است.

مراحل یک تا چهار را B بار تکرار کرده و آمار محاسباتی متناظر با تکرار b ام را با w_b^* نشان می دهیم.

احتمال آزمون به صورت زیر بدست می آید:

$$p - value = (1/B) * \sum_{b=1}^B L(w_b^* > w) \quad (2)$$

پس از انجام فرآیندهای ذکر شده و تکرار آن ها و بدست آوردن آماره مورد نظر می توان فرض صفر خطی بودن الگو را مورد آزمون قرار داد.

۴. یافته های پژوهش

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر فقر بر توسعه مالی با در نظر گرفتن سطح بازبودن تجاری است. برای این منظور از اطلاعات آماری مربوط به ۲۵ کشور طی دوره ۲۰۲۰-۲۰۰۲ استفاده می شود. داده های مورد نظر از پایگاه داده بانک جهانی و صندوق بین المللی پول استخراج شده اند.

۱.۴ مانایی متغیرها

قبل از انجام آزمون مانایی، به منظور انتخاب آزمون مانایی مناسب لازم است آزمون وابستگی مقطعی انجام شود که نتایج آزمون وابستگی مقطعی به شرح جدول ۲ بدست آمده است:

جدول ۲. آزمون وابستگی مقطعی

ماخذ: یافته‌های پژوهش

آزمون	آماره آزمون	سطح احتمال	نتیجه
بريوش پاگان	۹۳۸/۳۲	۰/۰۰	وجود وابستگی مقطعی
پسران (scaled)	۲۶/۰۶	۰/۰۰	وجود وابستگی مقطعی
پسران (CD)	۲/۰۲	۰/۰۴	وجود وابستگی مقطعی

با توجه به نتایج آزمون وابستگی مقطعی که بوسیله سه آزمون بریوش پاگان و دو آزمون مختلف پسران انجام شده است، آماره این آزمون‌ها حاکی از رد فرضیه صفر عدم وجود وابستگی مقطعی است لذا وابستگی مقطعی در مشاهدات وجود دارد که لازم است از آزمون‌های مانایی با وجود وابستگی مقطعی استفاده نمود.

در این پژوهش از آزمون ریشه واحد وابستگی مقطعی CPIS پسران استفاده شده است. فرضیه صفر این آزمون بر وجود ریشه واحد یا نامانای بودن متغیرها دلالت دارد.

جدول ۳. آزمون ریشه واحد وابستگی مقطعی CPIS پسران

ماخذ: یافته‌های پژوهش

متغیر	آماره آزمون	سطح احتمال	نتیجه
توسعه مالی	-۰/۷۴	$\geq ۰/۱۰$	نامانایی
درجه باز بودن تجاری	-۱/۹۹	$< ۰/۱۰$	مانایی
نسبت سرانه فقر	-۱/۹۸	$< ۰/۱۰$	مانایی
لگاریتم درآمد سرانه	-۲/۱۰	$< ۰/۱۰$	مانایی
پس‌انداز	-۲/۱۲	$< ۰/۱۰$	مانایی
تراکم جمعیت	-۰/۳۱	$\geq ۰/۱۰$	نامانایی

تأثیر فقر بر توسعه مالی در متخبی از ... (یونس نادمی و معصومه دالوندی) ۱۲۳

نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد که همه متغیرها بجز متغیرهای توسعه مالی و تراکم جمعیت در سطح مانا هستند و این دو متغیر نیز با یکبار تفاضل گیری مانا می‌شوند. لذا به منظور بررسی رابطه بلندمدت بین این متغیرها در ادامه آزمون همجمعی ارائه شده است.

۲.۴ آزمون هم‌انباشتگی

با توجه به اینکه برخی متغیرها در سطح نامانا هستند و نیز برای تعیین رابطه بلندمدت میان متغیرها بررسی وجود هم‌انباشتگی متغیرها حائز اهمیت است. جهت بررسی هم‌انباشتگی متغیرها از آزمون کائو استفاده شده است.

جدول ۴. نتایج آزمون هم‌انباشتگی کائو

ماخذ: یافته‌های پژوهش

آماره t	سطح احتمال
-۱/۹۲	۰/۰۲

نتایج جدول (۴) وجود رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرها را تایید می‌کند و فرضیه صفر مبتنی بر عدم وجود هم‌انباشتگی در سطح معنای ۵ درصد رد می‌شود لذا بین متغیرهای مدل رابطه بلندمدت وجود دارد که در ادامه این رابطه بلندمدت برآورد می‌شود.

۳.۴ نتایج برآورد مدل آستانه‌ای

در ادامه نتایج برآورد مدل آستانه‌ای با روش 2SLS، در جدول (۵) گزارش شده است.

جدول ۵. نتایج برآورد مدل آستانه‌ای

ماخذ: یافته‌های پژوهش

متغیر	ضریب	سطح احتمال
عرض از مبدا	-۰/۶۷۸۰۴۱	۰/۰۰۰۰
نسبت سرانه فقر در رژیم درجه باز بودن تجاری پایین	-۰/۱۰۶۲۸۸	۰/۰۰۰۰
نسبت سرانه فقر در رژیم درجه باز بودن تجاری بالا	-۰/۰۲۰۱۶۰	۰/۰۰۰۰
درآمد سرانه	۰/۱۱۱۷۰۳	۰/۰۰۰۰

۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۱۸۰۶	پس انداز
۰/۰۰۰۷	۰/۰۰۰۰۲۳	تراکم جمعیت
۰/۰۰۰۰	۹۶/۱۲	آزمون خطی بودن هانسن
۰/۸۴		آزمون J سارگان (P-Value)
۰/۹۹		آزمون ناهمسانی واریانس ARCH
۰/۰۰		آزمون F لیمر
۰/۰۰		آزمون بریوش پاگان
۰/۰۰		آزمون ترکیب پذیری
۰/۰۸		آزمون هاسمن
۰/۸۵		ضریب تعیین

نتایج برآورد الگوی پژوهش را می توان در موارد زیر خلاصه کرد:

در ابتدا آزمون لیمر، آزمون بریوش پاگان و آزمون Poolability برای بررسی داده های پانل و ترکیب پذیری مدل انجام شد که نتایج نشان دهنده ساختار پانل برای مدل پژوهش است. هم چنین در ادامه برای تشخیص اینکه روش حداقل مربعات دو مرحله ای با اثرات ثابت یا تصادفی برآورد شود از آزمون هاسمن استفاده شد که نتایج حاکی از عدم رد فرضیه صفر در سطح معنای ۵ درصد است لذا روش اثرات تصادفی انتخاب گردید. در ادامه مدل با روش حداقل مربعات دو مرحله ای (2SLS) و رویکرد اثرات تصادفی برآورد شده و از وقفه متغیرهای توضیحی به عنوان متغیرهای ابزاری در مدل استفاده شده است تا بتوان مشکل درونزایی مدل را حل کرد. نتایج آزمون سارگان با سطح احتمال ۰/۸۴ بیانگر عدم ارتباط بین متغیرهای ابزاری با جزء اخلاص است.

در ادامه حد آستانه درجه باز بودن اقتصاد، ۶۵ درصد برآورد شده است که آزمون هانسن با مقدار آماره F به میزان ۹۶/۱۲ و سطح احتمال ۰/۰۰۰ بیانگر رد فرضیه صفر خطی بودن مدل در سطح معنای ۵ درصد و معنی داری حد آستانه بوده است. در مدل دو رژیم درجه باز بودن بالا و پایین وجود دارد و اثرگذاری فقر بر توسعه مالی به سطح درجه باز بودن تجاری بستگی دارد. هنگامیکه درجه باز بودن از ۶۵ درصد کمتر باشد، افزایش فقر موجب کاهش شدیدتر توسعه مالی در اقتصاد می شود (ضریب فقر ۰/۱۰- است) و هنگامیکه درجه باز بودن بیش تر از ۶۵ درصد باشد، افزایش فقر موجب کاهش کمتری در توسعه مالی می شود (ضریب فقر ۰/۰۲- است) زیرا در شرایط باز بودن تنگناهای ناشی از فقر می تواند با افزایش درجه باز بودن و فرصت های مالی یک اقتصاد باز جبران شود.

لگاریتم درآمد سرانه تأثیر مثبت و معنی دار بر توسعه مالی داشته است. به عبارت دیگر هرچه قدر سطح درآمد مردم بیشتر باشد در نتیجه پس انداز بیشتری نیز وجود خواهد داشت و افراد به دنبال سرمایه گذاری مازاد درآمد خود در بازارهای مالی خواهند بود که این امر تقاضا برای خدمات و ابزارهای مالی را گسترش می دهد و موجب توسعه مالی بیشتر در اقتصاد می شود.

نسبت پس انداز به تولید ناخالص داخلی تأثیر مثبت و معنی داری بر توسعه مالی دارد. در واقع در یک مدل ساده اقتصاد کلان هر چه قدر سهم پس انداز از درآمد ملی بیشتر باشد، پس اندازها عرضه و جوه برای سرمایه گذاری را بیشتر می کنند و در نتیجه بازارها و واسطه های مالی با عرضه و جوه بیشتری مواجه هستند که باید آن را به سرمایه گذاران و متقاضیان جوه و اعتبار وام دهند که در نتیجه این فرآیند مستلزم توسعه مالی در اقتصاد است. همچنین پس انداز بالاتر دلیل نرخ بهره واقعی مثبت می تواند توسعه مالی را ارتقا دهد.

تراکم جمعیت تأثیر مثبت و معنی داری بر توسعه مالی دارد. همانطور که پیشتر بیان شد در مراحل اولیه توسعه مالی، کشورها معمولاً توسعه فعالیت های بخش مالی را در مناطق جغرافیایی با تراکم جمعیت بالا و ارائه دهنده بیشتر خدمات مالی آغاز می کنند. این امر به ویژه در شهرهایی با تراکم جمعیت بالا که دارای متوسط درآمد نسبتاً بالا و سطوح پایین فقر هستند، صادق است و در نتیجه تراکم جمعیت به طور مثبت با توسعه مالی مرتبط است.

ضریب تعیین یا تشخیص مدل نیز ۸۵ درصد بدست آمده است که نشان می دهد متغیرهای توضیحی مدل توانسته اند ۸۵ درصد تغییرات توسعه مالی را توضیح دهند که نشان از خوبی برازش مدل دارد. آزمون ناهمسانی واریانس آرج نیز نشان دهنده عدم وجود ناهمسانی واریانس در اجزای خطا است.

۵. نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر فقر بر توسعه مالی با در نظر گرفتن سطح بازبودن تجاری است. توجه اندک به تأثیر فقر بر توسعه مالی در ادبیات موضوع و همچنین عدم وجود مطالعات داخلی مربوط به این مبحث، نویسندگان را به بررسی تأثیر فقر بر توسعه مالی در کشورهای در حال توسعه ترغیب کرده تا این خلا در ادبیات را پر کنند. برای این منظور از روش حداقل مربعات دو مرحله ای مربوط به ۲۵ کشور طی دوره ۲۰۲۰-۲۰۰۲ استفاده شده است. نتایج برآورد مدل نشان می دهد که حد آستانه ای درجه باز بودن ۶۵ درصد است.

هنگامی که درجه باز بودن از ۶۵ درصد کمتر باشد، افزایش فقر موجب کاهش شدیدتر توسعه مالی در اقتصاد می‌شود (ضریب فقر ۰/۱۰- است) و هنگامیکه درجه باز بودن بیشتر از ۶۵ درصد باشد، افزایش فقر موجب کاهش کمتری در توسعه مالی می‌شود (ضریب فقر ۰/۰۲- است) زیرا در شرایط باز بودن تنگناهای ناشی از فقر می‌تواند با افزایش درجه باز بودن و فرصت‌های مالی یک اقتصاد باز جبران شود. همچنین درآمد سرانه، پس‌انداز و تراکم جمعیت در کشورهای در حال توسعه اثری مثبت بر توسعه مالی داشته‌اند. در واقع توسعه مالی برای توسعه اقتصادی ضروری است و می‌تواند با بسیج و هدایت پس‌انداز به سمت سرمایه‌گذاری‌های مولد، بهینه‌سازی تخصیص سرمایه و جذب جریان‌های سرمایه خارجی منجر به رشد اقتصادی شود. منابع مالی در دسترس کشورهای در حال توسعه محدود هستند از این روی این کشورها برای تامین مالی مورد نیازشان مستلزم تعمیق بخش مالی داخلی هستند. یکی از ابزارهای دستیابی به این هدف می‌تواند اتخاذ تدابیری برای توسعه سرمایه انسانی و در نتیجه کاهش فقر باشد. برای پژوهش‌های آتی می‌توان تاثیر فقر بر توسعه مالی با در نظر گرفتن عوامل متعددی مانند نرخ پس‌انداز، درجه باز بودن مالی، درجه تنوع محصول صادراتی، کیفیت نهادی و حاکمیتی مورد بررسی قرار داد.

کتاب‌نامه

- Aluko, O. A., & Ajay, M. A. (2018). Determinants of banking sector development: Evidence from Sub-Saharan African countries. *Borsa Istanbul Review*, 18(2), 122–139.
- Andersson, M and S Johansson (2010). Human capital and the structure of regional export flows. *Technology in Society*, 32(3), 230–240.
- Arestis, P. (2005). Financial liberalization and the relationship between finance and growth. *In CEPP working paper No. 05/05*. United Kingdom: University of Cambridge.
- Ashraf, B. N. (2018). Do trade and financial openness matter for financial development? Bank-level evidence from emerging market economies. *Research in International Business and Finance*, 44, 434–458.
- Azariadis, C., & Stachurski, J. (2005). Poverty traps. In P. Aghion, & S. Durlauf (Eds.), *Handbook of economic growth* (vol. 1). Elsevier, chapter 5.
- Bain, L. E., Awah, P. K., Geraldine, N., Kindong, N. P., Siga, Y., Bernard, N., et al. (2013). Malnutrition in sub-Saharan africa: Burden, causes and prospects. *The Pan African Medical Journal*, 15(120).
- Baltagi, B. H., Demetriades, P. O., & Law, S. H. (2009). Financial development and openness: Evidence from panel data. *Journal of Development Economics*, 89(2), 285–296.

- Banerjee, A., & Duflo, E. (2014). Do firms want to borrow more: Testing credit constraints using a targeted lending program. *The Review of Economic Studies*, 81, 572–607.
- Carvalho, L., Meier, S., & Wang, S. W. (2016). Poverty and economic decision making: Evidence from changes in financial resources at payday. *The American Economic Review*, 106(2), 260–284.
- Cole, S., Paulson, A., & Shastry, G. (2014). Smart money? The effect of education on financial outcomes. *The Review of Financial Studies*, 27(7), 2022–2051.
- Collier, P., & Dollar, D. (2002). Aid Allocation and Poverty Reduction. *European Economic Review*, 46(8), 1475-1500.
- David, A. C., Mlachila, M., & Moheput, A. (2014). Does openness matter for financial development in Africa? *In IMF working paper WP/14/94*. Washington, D.C: International Monetary Fund.
- Galbraith, J. (1958). *The affluent society*. Boston: Houghton-Mifflin.
- Gnangnon, S. K. (2019). Poverty and export product diversification in developing countries. *The Journal of International Trade & Economic Development*, 29(2), 211–236.
- Gnangnon, S. K. (2020). Do poverty rates matter for the degree of trade openness in developing countries? *Journal of International Commerce, Economics and Policy*, <https://doi.org/10.1111/1467-8454.12200?af=R.1-22>.
- Gnangnon, S. K. (2021). Effect of poverty on financial development: Does trade openness matter?. *The Quarterly Review of Economics and Finance*, 82, 97–112.
- Goldsmith, R. W. (1969). *Financial structure and development*. New Haven: Yale University Press.
- Gurley, J. G., & Shaw, E. S. (1955). Financial aspects of economic development. *The American Economic Review*, 45(4), 515–538.
- Hansen, B. E. (1996). Inference When a Nuisance Parameter is not Identified under the Null Hypothesis. *Econometrica*, 64(2), 413-430.
- Hansen, B. E. (1999). Threshold Effects in Non-Dynamic Panels: Estimation, Testing, and Inference. *Journal of Econometrics*. 93(2), 345-368.
- Hansen, B. E. (2000). Sample Splitting and Threshold Estimation. *Econometrica*, 68(3), 575-603.
- Hanson, J. L., Hair, N., Shen, D. G., Shi, F., Gilmore, J. H., Wolfe, B. L., & Pollak, S. D. (2013). Family poverty affects the rate of human infant brain growth. *PLoS One*, 8(12), 1–9.
- Hatemi_J, A., & Shamsuddin, M. (2016). The Causal Interaction between Financial Development and Human Development in Bangladesh, *Applied Economic*, pp, 2-4.
- Hausmann, R, J Hwang and D Rodrik (2007). What you export matters. *Journal of Economic Growth*, 12, 1–25.
- Hill, M. S., & Sandfort, J. R. (1995). Effects of childhood poverty on productivity later in life: Implications for public policy. *Children and Youth Services Review*, 17(1-2), 91–126.

- Ibrahim, M., & Sare, Y. A. (2018). Determinants of financial development in Africa: how robust is the interactive effect of trade openness and human capital? *Economic Analysis and Policy*, 60, 18–26.
- Karimu, A., & Marbuah, G. (2017). Re-examining the financial development-openness nexus: Nonparametric evidence for developing countries. *Journal of Applied Economics*, 20(2), 373–394.
- Khan, M. A., Gu, L., Khan, M. A., & Oláh, J. (2020). Natural resources and financial development: The role of institutional quality. *Journal of Multinational Financial Management*, 56, Article 100641.
- Khan, Z., Hussain, M., Shahbaz, M., Yang, S., & Jiao, Z. (2020). Natural resource abundance, technological innovation, and human capital nexus with financial development: A case study of China. *Resources Policy*, 65, Article 101585.
- Kim, D.-H., Lin, S.-C., & Suen, Y.-B. (2010). Dynamic effects of trade openness on financial development. *Economic Modelling*, 27(1), 254–261.
- Kletzer, K., & Bardhan, P. (1987). Credit markets and patterns of international trade. *Journal of Development Economics*, 27, 57–70.
- Kuznets, S. (1955). International differences in capital formation and financing. In *Capital formation and economic growth*. pp. 19–111. National Bureau of Economic Research Inc.
- López, H. (2006). Does poverty matter for growth. In G. E. Perry, O. S. Arias, J. H. López, W. F. Maloney, & L. Servén (Eds.), *Poverty reduction and growth: Virtuous and vicious circles* (pp. 103–128). Washington, DC: World Bank Publications, chapter 6.
- McKinnon, R. I. (1973). *Money and capital in economic development*. Washington, DC: Brookings Institution.
- Mirza, M. U., Richter, A., van Nes, E. H., & Scheffer, M. (2019). Technology driven inequality leads to poverty and resource depletion. *Ecological Economics*, 160, 215–226.
- Mullainathan, S., & Shafir, E. (2013). *Scarcity: Why having too little means so much*. New York, NY: Time Books, Henry Holt & Company LLC.
- Patrick, H. T. (1966). Financial development and economic growth in underdeveloped countries. *Economic Development and Cultural Change*, 14, 174–189.
- Rajan, R. G., & Zingales, L. (2003). The great reversals: The politics of financial development in the twentieth century. *Journal of Financial Economics*, 69(1), 5–50.
- Sachs, J. (2005). *The end of poverty: How we can make it happen in our lifetime*. London, UK: Penguin Group.
- Shahbaz, M., Mallick, H., Mahalik, M. K., & Hammoudeh, S. (2018). Is globalization detrimental to financial development? Further evidence from a very large emerging economy with significant orientation towards policies. *Applied Economics*, 50(6), 574–595.

تأثير فقر بر توسعه مالی در منتخبی از ... (یونس نادمی و معصومه دالوندی) ۱۲۹

Sibel, B. E., Kadir, Y. E., & Ercan, D. (2015). Local financial development and capital accumulations: Evidence from Turkey. *Panoeconomicus*, 62, 339–360.

Yeyati, E. L., Panizza, U., & Stein, E. (2007). The cyclical nature of North-South FDI flows. *Journal of International Money and Finance*, 26, 104–130.

Zhang, C., Zhu, Y., & Lu, Z. (2015). Trade openness, financial openness, and financial development in China. *Journal of International Money and Finance*, 59, 287–309.

Zulher, Z., & Ratnasih, C. (2021). Financial Development and Poverty Reduction in Developing Countries. *Accounting*, 7(3), 667-674.

